



فهرست



سخن سردبیر

کوج پدر ایران‌شناسی به سرای باقی ۲

جستار

سروده‌های نویافته در جنگ ملاصدرا/ مهرداد چترانی ۴

مرثیه در آثار منظوم/ سیدمحمد دبیرسیاقی ۱۱

پاره‌ها و نکته‌ها

نامهٔ پاکستان - ۲/ عارف نوشاهی ۱۵

دو پاره/ علی صفری آق‌قلعه ۱۸

نسخه‌شناسی

چاپارخانه‌های ایران در عصر امیرکبیر/ سیدعلی آل‌داود ۲۰

نویافته‌ها دربارهٔ کتاب اخلاق علایی/ سلمان ساکت ۲۶

یادداشت

دربارهٔ تصحیح جدید کتاب ارشاد/ عارف نوشاهی ۲۸

بررسی

فیه‌ما‌فیه (بخش یکم)/ ۳۳؛ کتاب الرسائل محمدبن عبدالخالق

میهنی/ ۳۷؛ میراث بهارستان (دفتر دوم: نوزده رساله)/ ۳۹؛ دیوان

حافظ (بخش دوم)/ ۴۸؛ صنعت فربه‌سازی (بخش دوم)/ ۵۶.

معرفی کتاب

دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی/ ۶۴؛ شقائق النعمانیة فی

علماء الدولة العثمانیة/ ۶۸؛ اردای ویراف‌نامه/ ۷۱.

تازه‌های میراث ۷۳

نامه‌ها ۷۵

دوماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزهٔ تصحیح انتقادی متون،
نسخه‌شناسی و مباحث ایران‌شناسی
دورهٔ دوم، سال پنجم، شمارهٔ چهارم و دوم چهل و سوم،
آذر - دی و بهمن - اسفند ۱۳۸۹

صاحب امتیاز:
مرکز پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول و سردبیر:
اکبر ایرانی

معاون سردبیر: عسکر بهرامی
مدیر داخلی: خاتون سرمدی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

طراح و صفحه‌آرا: انسیه فرجی

چاپ: نقره‌آبی
تهران، خیابان جمهوری، بین فخر رازی و دانشگاه
شمارهٔ ۳۰۶

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و
ابوریحان، ساختمان فروردین، شمارهٔ ۱۱۸۲
طبقهٔ دوم

کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

- گزارش میراث در پذیرش، اصلاح و ویرایش نوشته‌ها آزاد است.
- نوشتهٔ ارسالی باید قبلاً در جایی چاپ نشده باشد.
- مسئولیت نوشته‌ها با نویسندگان آنهاست.

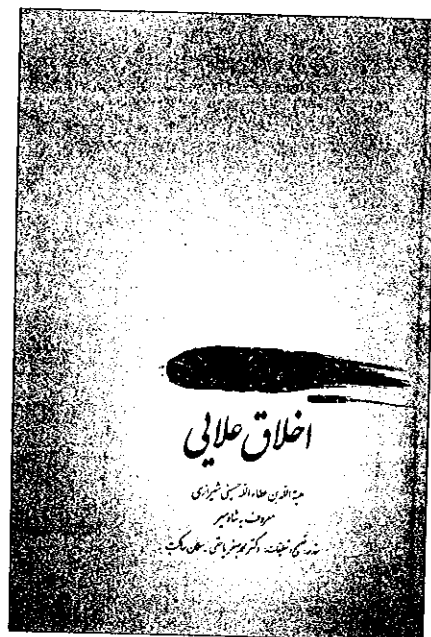
تصویر خط «بسم‌الله» از نسخهٔ کتابخانهٔ John Rylands



نویافته‌ها در باره کتاب اخلاق علایی

سلمان ساکت

اخلاق علایی کتابی است در حکمت و اخلاق عملی که به قلم هبة‌الله بن عطاء‌الله بن لطف‌الله بن سلام‌الله بن روح‌الله حسینی شیرازی معروف به «شاه میر» از علما و دانشمندان سده نهم هجری، به رشته تحریر درآمده و چندی است به تصحیح استادام جناب آقای دکتر محمدجعفر یاحقی و این جانب از سوی فرهنگستان هنر چاپ و منتشر شده است.



این کتاب که در یک مقدمه و چهارباب تنظیم شده، عمدتاً بر اساس بخشهایی از کتاب اخلاق ناصری و با افزودن آیات و اخبار و احادیث از یک سو و امثال و حکم و اشعار عربی و فارسی از سوی دیگر فراهم آمده است. مؤلف در مقدمه کتاب، ضمن اشاره به تنظیم و توصیف اصول علم اخلاق و سیاست توسط علما و فضایی هر عصر، در نقد ایشان می‌نویسد: «بعضی از ایشان مطلقاً بنا بر آراء حکما و اهل نظر نهاده، از مؤیدات سمعی خالی گذاشته‌اند و بعضی اختصار بر ظواهر شرعیه کرده، از دلایل عقلی و حکم نظری اعراض نموده‌اند.» بنابراین بر آن شده است تا «منزلی بین‌المنزلیین اختیار کند و حکم حکما را معتضد به کتاب و سنت گرداند» (ص ۳۶). او در ادامه می‌نویسد

که به منظور «تقریباً للافهام و تعمیماً للنفع علی‌الخاص و العام در سهولت و ترک غموضت و زواید فضلی که در این باب ضروری نبود کوشیده، عبارت فارسی با وجود آنکه شیوه مألوف و طریق معهود» او نبوده اختیار کرده است (ص ۳۸).

در اینجا قصد معرفی این کتاب را ندارم، بلکه آنچه مرا به نوشتن این یادداشت برانگیخته، اصلاح و تکمیل مطالبی است که بیش از دو سال پیش با همکاری جناب آقای دکتر یاحقی فراهم کرده بودیم و به عنوان مقدمه و تعلیقات، پس از تصحیح متن، بدان افزودیم. در این مدت هرچا چیزی دیده یا خوانده‌ام که به کار این متن می‌آید، آن را نوشته‌ام و امیدوارم فرصتی دست دهد تا در چاپهای بعدی کتاب بدان بیفزاییم. با این همه دو نکته زیر از بقیه مهم‌تر است و چون ممکن است تا چند سال دیگر فرصت تجدید چاپ فراهم نشود، بایسته دیدم که آن را در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهم:

۱. در مقدمه کتاب به نقل از فهرستهای مختلف نوشته‌ایم که گویا سه نسخه از کتاب موجود است:

الف. نسخه کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

ب. نسخه کتابخانه مؤسسه کاما.

ج. نسخه کتابخانه امیرالمؤمنین نجف.

این جانب از همان روزی که تصحیح این اثر را زیر نظر جناب آقای دکتر یاحقی آغاز کردم، کوشیدم تا افزون بر نسخه آستان قدس که در دست داشتیم، دو نسخه دیگر را نیز به دست آورم که تا زمان اتمام کار و تحویل آن به فرهنگستان هنر این مهم ممکن نشد. اما حدود یک سال پس از آن، دوستی تصویری از رساله‌ای به همان شماره که در فهرستها آمده است، از نجف برایم تهیه و ارسال کرد. پس از مطالعه و بررسی تصویر رساله متوجه شدم که آن، اثر دیگری است بدون نام و در باره آداب سلطنت که شماره و سال کتابت و نام کاتب با آنچه در فهرستها آمده، کاملاً تطبیق دارد و گویا خطایی که ما در مقدمه خاطر نشان

۱. نگارنده رساله «آداب سلطنت» را بر اساس نسخه‌های مختلف، از

جمله نسخه نجف، تصحیح کرده و به زودی در یکی از نشریات

به چاپ خواهد رساند.

کرده‌ایم، یعنی نامگذاری اشتباه کتاب آداب سلطنت، بر مبنای یادداشتی بر ظهر برگ اول نسخه، سبب شده است تا فهرست‌نگاران این دو کتاب/ رساله را با یکدیگر درآمیزند.^۱ بنابراین از یک سو باید فهرست‌ها، از جمله فهرستواره کتاب‌های فارسی استاد احمد منزوی اصلاح شود و از سوی دیگر تا به دست نیامدن اطلاعاتی دیگر، نسخ موجود و شناخته شده از این کتاب را تنها در دست‌نگاشت آستان قدس و مؤسسه کاما در نظر گرفت.

۲. در صفحه ۳۷ کتاب، مؤلف ضمن توصیف ممدوح خود، هیبت و سیاست وی را در برابر مشرکان و متمردان ستوده و از لطف و عنایتش در باب مؤمنان و مقبلان یاد کرده است و رباعی زیر را در این باره نوشته است:

در رزم چو آهنیم و در بزم چو موم

بر دوست مبارکیم و بر دشمن شوم

از همت ما برند انصاف به شام

وز هیبت ما برند زنار به روم

وقتی تعلیقات کتاب را می‌نوشتیم با مراجعه به کتب مختلف، اثری از این رباعی و گوینده آن به دست نیاوردیم، لذا در باره آن نوشتیم: «گوینده رباعی شناخته نشده» (ص ۱۲۳). بعدها در کتاب دستورالوزراء، اثر خواندمیر رد پای این رباعی را یافتیم. خواندمیر ذیل شرح احوال عمیدالدین ابونصر اسعد، از وزرای سلاطین سلغری، به نقل از روضةالصفامی نویسد: «نوبتی اتابک سعد اسعد را به رسم رسالت نزد سلطان محمد خوارزمشاه فرستاد و سلطان بر لطف طبع آن وزیر صافی ضمیر وقوف یافته، او را منظور نظر عاطفت گردانید و چند کثرت در مجالس بزم اسعد را احضار فرمود. در آن اثناء روزی سلطان در اثنای سرخوشی این بیت بر وزن رباعی گفت که، بیت:

در رزم چو آهنیم و در بزم چو موم

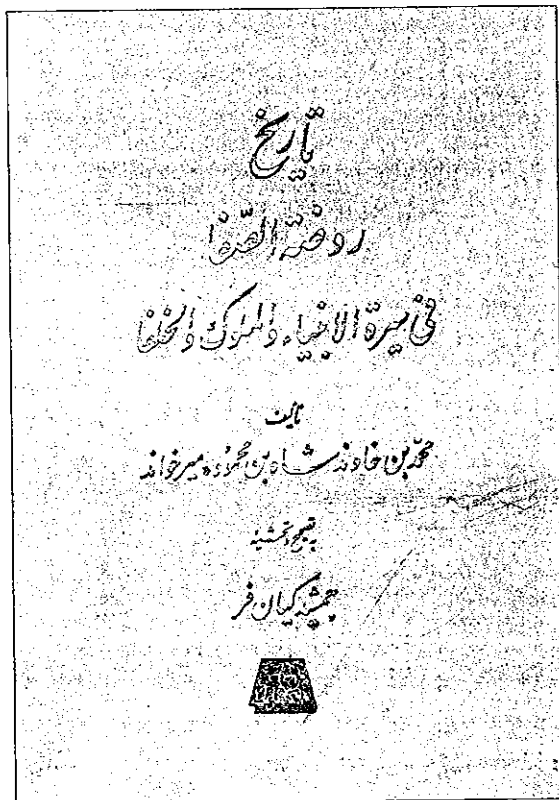
بر دوست مبارکیم و بر دشمن شوم

و اسعد را فرمود که: بیت دیگری بگوی. اسعد در بدیهه گفت که، بیت:

از حضرت ما برند انصاف به شام

وز هیبت ما برند زنار به روم

و سلطان محمد مراسم تعریف و تحسین به ظهور رسانیده، آن روز بر ساز این ترانه شراب ناب آشامید» (دستورالوزراء، تصحیح سعید نفیسی، صص ۲۳۷-۲۳۸؛ نیز روضةالصفاء چاپ اساطیر، ۷/ ۳۶۰۹-۳۶۱۰).



شایان توجه است که با توجه به سال تألیف دستورالوزراء (روایت نخست در سال ۹۰۶ ق) و مرگ خواندمیر در سال ۹۴۲ ق امکان بهره بردن شاه میر از این کتاب به کلی منتفی است. همچنین با توجه به مرگ میرخواند - مؤلف روضةالصفاء و جد مادری خواندمیر - در سال ۹۰۳ ق احتمال استفاده شاه میر از این کتاب نیز بعید به نظر می‌رسد. بنابراین باید منبعی کهن‌تر در دسترس شاه میر بوده باشد. افزون بر اینکه می‌توان حدس زد که این رباعی به سبب استواری و پختگی به صورت مثل رواج یافته و شاه میر آن را در کتاب خود وارد کرده است. ■

